



ژاندارک



سرشناسه

پالک، پام

Pollack, Pam

عنوان و نام پدیدآور
ژاندارک / نویسنده پیم پولاک، مگ بلویسو؛ تصویرگر آندرو تامسون؛
مترجم محمدرضا افضل.

مشخصات نشر

مشخصات ظاهری

فروست

شاپک

یادداشت

موضوع

موضوع

موضوع

شناسه افزوده

رده‌بندی کنگره

رده‌بندی دیویی

شماره کتابشناسی ملی

978-622-344-122-6

عنوان اصلی: Who was Joan of Arc?, c2016.

ژاندارک، ۱۴۳۱-۱۴۱۲ م. -- سرگذشت‌نامه -- ادبیات نوجوانان

قدیسان مسیحی -- فرانسه -- سرگذشت‌نامه -- ادبیات کودکان و نوجوانان

فرانسه -- تاریخ -- شارل هفتم، ۱۴۲۲-۱۴۶۱ م. -- ادبیات کودکان و نوجوانان

افضلی، محمدرضا، ۱۳۳۱ - . مترجم

DC۱۰۳/۵

۹۴۴/۲۶-۹۲

۹۲۷۸۴۶۰



شرکت
انتشارات
فنی ایران

کتاب‌های
نردبان

ژاندارک

نردبان بنفش - عمومی | کی؟ چی؟ کجا؟ | کد کتاب ۲۵۴۳

نویسنده پیم پولاک و مگ بلویسو Pam Pollack and Meg Belviso

تصویرگر آندرو تامسون Andrew Thomson

مترجم محمدرضا افضل

مدیر هنری کیانوش غریب‌پور

صفحه‌آرا الهه قاسم‌زاده

طراح جلد حامد زاهد

چاپ اول ۱۴۰۴ | ۲۰۰۰ نسخه | چاپ خوارزم

حقوق چاپ و نشر این اثر متعلق به شرکت انتشارات فنی ایران است.

میرعماد شماره ۲۴، تهران ۱۵۸۷۷۳۶۵۱۱ ☎ ۰۲۱-۵۴۹۵۹.۸۸۵۰۵۰۵۵

entesharat.com ✉ info@entesharat.com

nardebanbooks 📍 nardebanbooks

©



کاغذ این کتاب از جنگل‌های
صنعتی مدیریت شده
تهیه شده است.

ژاندارک

پم پولاک و مگ بلویسو

تصویرگر: آندرو تامسون

مترجم: محمدرضا افضلی



فهرست

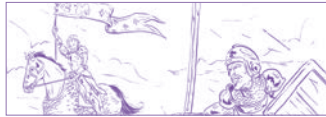
فصل ۱
صد سال جنگ | ۱۲



فصل ۲
ترک خانه | ۲۳



فصل ۳
شمشیر و پرچم | ۳۴



فصل ۴
پیروزی | ۴۶



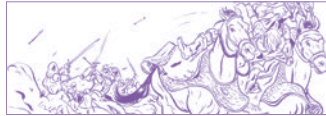
فصل ۵
پادشاه شارل | ۵۴



فصل ۶
شکست | ۵۹



فصل ۷
اسارت | ۶۶



فصل ۸
زندان | ۷۴



فصل ۹
محاكمه | ۸۳



فصل ۱۰
سن ژان | ۹۴

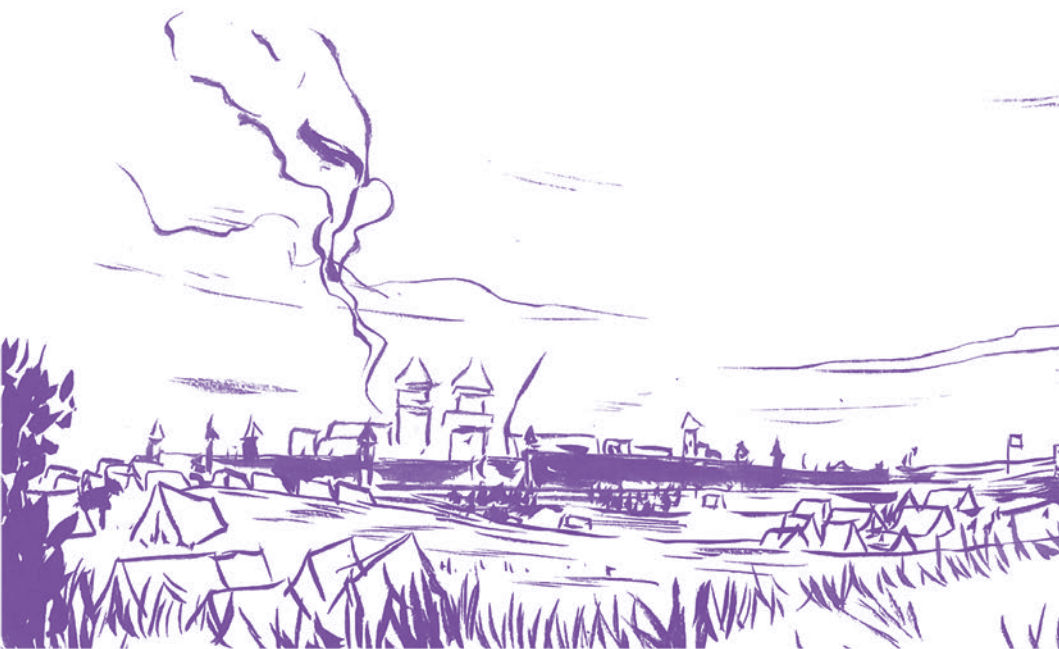


سیر تاریخی زندگی ژاندارک | ۱۰۸

سیر تاریخی جهان | ۱۰۹



سربازان انگلیسی دیوارهای بزرگ شهر اورلئان، در کشور فرانسه، را محاصره کرده بودند. هفت ماه بود که اهالی اورلئان در شهر خود گرفتار شده بودند و به مواد غذایی دسترسی نداشتند. انگلیسی‌ها امیدوار بودند که اگر شهر را به مدت کافی در محاصره نگه دارند، فرانسوی‌ها دروازه‌های شهر را باز کنند و تسلیم شوند.



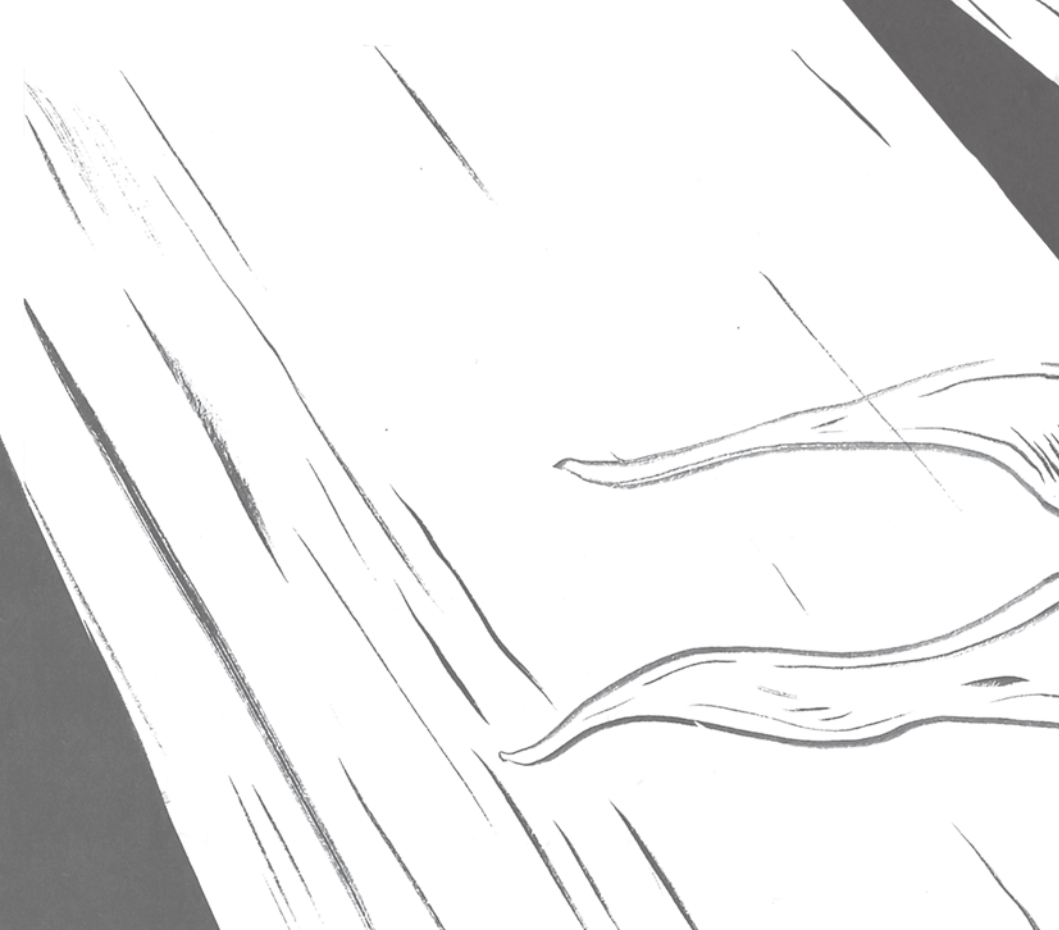
از مدت‌ها قبل و تا جایی که اهالی اورلئان به یاد داشتند، فرانسه و انگلستان در حال جنگ بودند. دوک اورلئان، که فرمانروای شهر بود، قبلاً اسیر انگلیسی‌ها شده بود. برادر ناتنی او، ژان دانون، حداکثر سعی را برای دفاع از شهر انجام داد. اما نمی‌توانست انگلیسی‌ها را از شهر دور کند. اهالی اورلئان کم‌کم امید خود را از دست می‌دادند. آن‌ها گرسنه بودند. به محاصرهٔ یکی دیگر از شهرهای فرانسه در ده سال قبل فکر می‌کردند. آن محاصره یک سال کامل طول کشیده بود. ساکنان شهر ناچار شده بودند گربه‌ها، اسب‌ها و موش‌ها را بخورند تا زنده بمانند. سرانجام آن شهر تسلیم شده بود. اهالی اورلئان نمی‌خواستند تسلیم شوند، اما چه کار دیگری از دست آن‌ها برمی‌آمد؟ آن‌ها به یکدیگر می‌گفتند «مگر معجزه‌ای رخ دهد!»



شاید معجزه‌ای در راه بود! افرادی که موفق شده بودند مخفیانه وارد شهر شوند، از وجود یک دختر روستایی بسیار خاص خبر دادند. او صداهایی از غیب می‌شنید و با فرشتگان و قدیسان گفت‌وگو می‌کرد. نام این دختر ژاندارک بود. روز ۲۹ آوریل سال ۱۴۲۹، اهالی اورلئان خبرهای حیرت‌انگیزی شنیدند. ژاندارک وارد شهر شده بود! او از طریق دروازه‌ای که بی‌نگهبان مانده بود از دیوار عبور کرده و به شهر وارد شده بود. ژاندارک تنها نبود و مردانی را آورده بود که می‌خواستند به اهالی شهر کمک کنند؛ چند گاری مواد غذایی و تعدادی دام هم به همراه داشتند. صدها نفر از مردم شهر به دیدار او شتافتند.

آنچه دیدند دختری هفده‌ساله بود، با موهای کوتاه و لباسی پسرانه. ژاندارک زرهی پوشیده بود که به اندازهٔ هیکل کوچک او ساخته شده بود. شمشیر و پرچمی حمل می‌کرد که تصویر فرشتگان روی آن بود. روی پرچم نوشته شده بود «به خاطر عیسی مسیح و مریم مقدس». او مأموریت داشت شهر اورلئان را نجات دهد.





هنگامی که اهالی اورلئان به ژاندارک نگاه کردند، قهرمانی باور
نکردنی را دیدند که به اعتقاد آن‌ها خدا او را فرستاده بود. او با
شمشیری که به کمر بسته بود و پرچمی که برافراشته بود، نماد زنده
امید اهالی اورلئان و همهٔ مردم فرانسه بود.

فصل ۱

صد سال جنگ

ژاندارک در دهکدهٔ دومرمی، در کشور فرانسه، به دنیا آمد. روز تولد او را ۶ ژانویهٔ سال ۱۴۱۲ میلادی می‌دانند، اما این تاریخ به طور رسمی ثبت نشده است. خانواده‌اش او را ژان نامیدند که بعدها به ژاندارک معروف شد. پدر او ژاک دآرک و مادرش ایزابل نام داشتند. ژاندارک سه برادر بزرگ‌تر به نام‌های ژاکمین، ژان و پی‌یر داشت؛ خواهری به نام کاترین هم داشت.

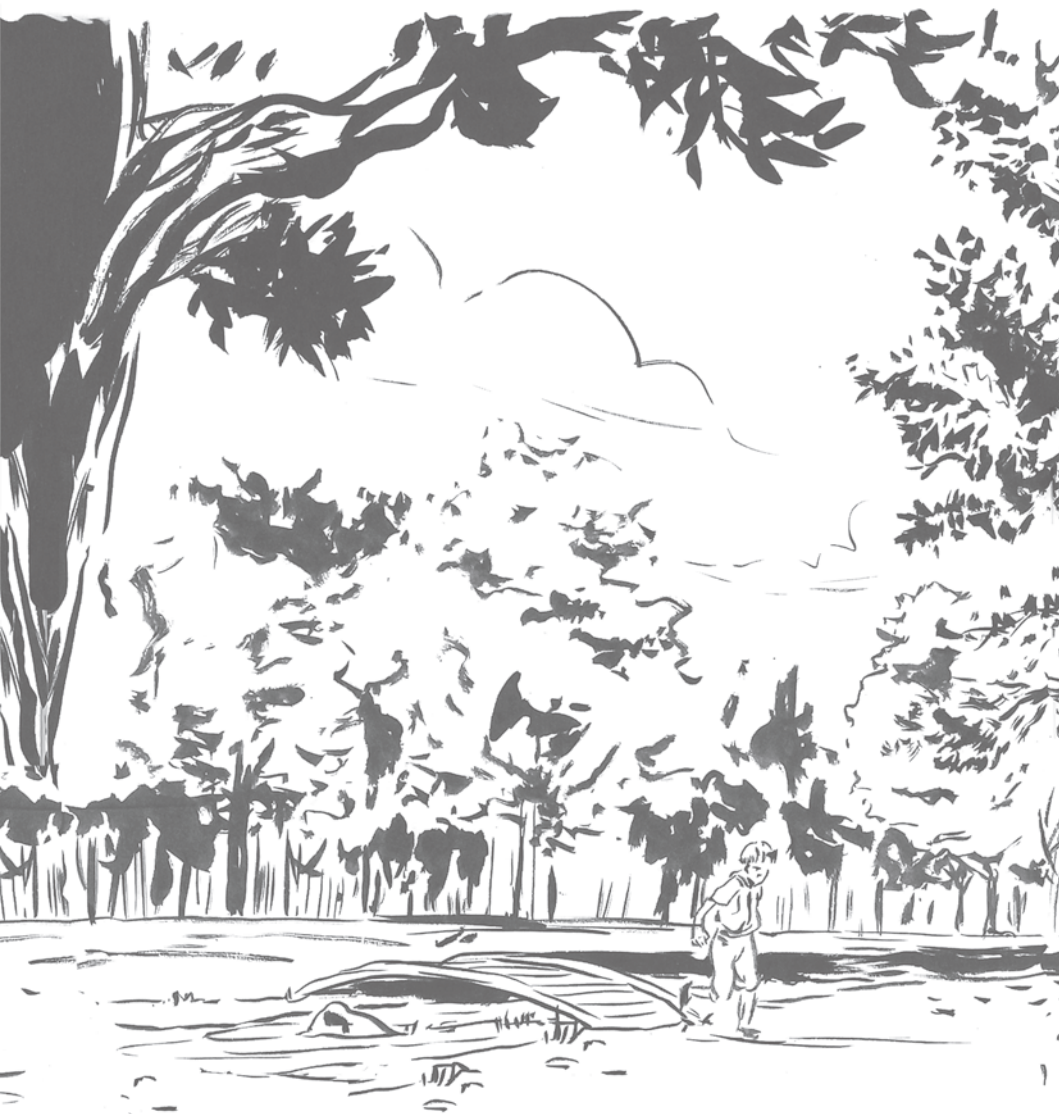
ژاندارک که دختری روستایی بود در دومرمی خیاطی و پشم‌ریسی یاد گرفت. ژاندارک، برادرانش و تنها خواهرش از چاه دهکده آب می‌کشیدند و به خانه می‌آوردند و در مراقبت از گاو و گوسفند خانواده کمک می‌کردند. ژاندارک، مثل بسیاری از کودکان دیگر دهکده، هرگز خواندن و نوشتن نیاموخت. او مثل دخترهای معمولی روستایی آن زمان لباس می‌پوشید؛ پیراهنی ساده به رنگ قرمز تیره.



در جنگل نزدیک دهکده درخت راش کهنسالی بود که می‌گفتند زمانی محل دیدار یک پری با مردی بوده که او را دوست می‌داشته است. روستاییان این درخت را درخت پَری می‌نامیدند. در فصل بهار پسرها و دخترها آن جا را با گُل تزئین می‌کردند و زیر



درخت جشن می‌گرفتند. آن‌ها عقیده داشتند که جوی‌های آبی
که در کنار درخت جاری بودند خاصیت جادویی دارند و آب این
جوی‌ها شفابخش است.



مردم دو مرمی به انواع جادو عقیده داشتند، اما رسماً مسیحی و پیرو کلیسای کاتولیک رومی بودند. ژاندارک کاتولیک مؤمنی بود. او هر روز به درگاه خدا نیایش می‌کرد و هر یکشنبه به کلیسای رفت. در دو مرمی زندگی آرامی جریان داشت، اما جنگ کشور را آشفته و به هم ریخته کرده بود. در سال ۱۴۲۰ میلادی، زمانی که ژاندارک هشت ساله بود، شارل ششم، پادشاه فرانسه با هنری پنجم، پادشاه انگلستان، پیمانی بست. طبق این پیمان، پسر هنری - که



نوه شارل بود - فرمانروای هر دو کشور می شد. بسیاری از فرانسوی ها احساس می کردند در این پیمان به فرانسه خیانت شده است. آن ها نمی خواستند، پادشاه انگلیسی، حتی اگر تا حدودی فرانسوی باشد، بر آن ها حکومت کند. آن ها عقیده داشتند که پادشاه واقعی فرانسه پسر شارل ششم است که او هم شارل نام داشت و فرانسوی ها او را دوفن می نامیدند. دوفن لقب پسر ارشد پادشاه فرانسه بود. اما همه فرانسوی ها دوفن را دوست نداشتند. بعضی ها خواستار زندگی تحت حکومت پادشاه انگلستان بودند. در سال ۱۴۲۲ میلادی شارل ششم از دنیا رفت و جنگ بر سر این موضوع که پادشاه حقیقی کیست بالا گرفت.

ژاندارک بزرگ تر می شد و می دید که پسرهای دومر می با پسرهای شهرهای اطراف می جنگند تا مشخص شود برنده جنگ کیست و چه کسی باید بر فرانسه حکومت کند.

روزی در سال ۱۴۲۵ میلادی، ژاندارک سیزده ساله در باغ خانواده مشغول کار بود. شنید نامش را صدا می زنند. وقتی رویش را برگرداند تا ببیند کیست، فقط نوری درخشان دید. خیلی ترسید و پا به فرار گذاشت. مدت زیادی نگذشت که همان صدا دوباره به گوشش رسید. سومین باری که ژاندارک این صدا را شنید، مطمئن شد که صدای کیست: صدای فرشته ای بود. صدای

جنگ صدساله



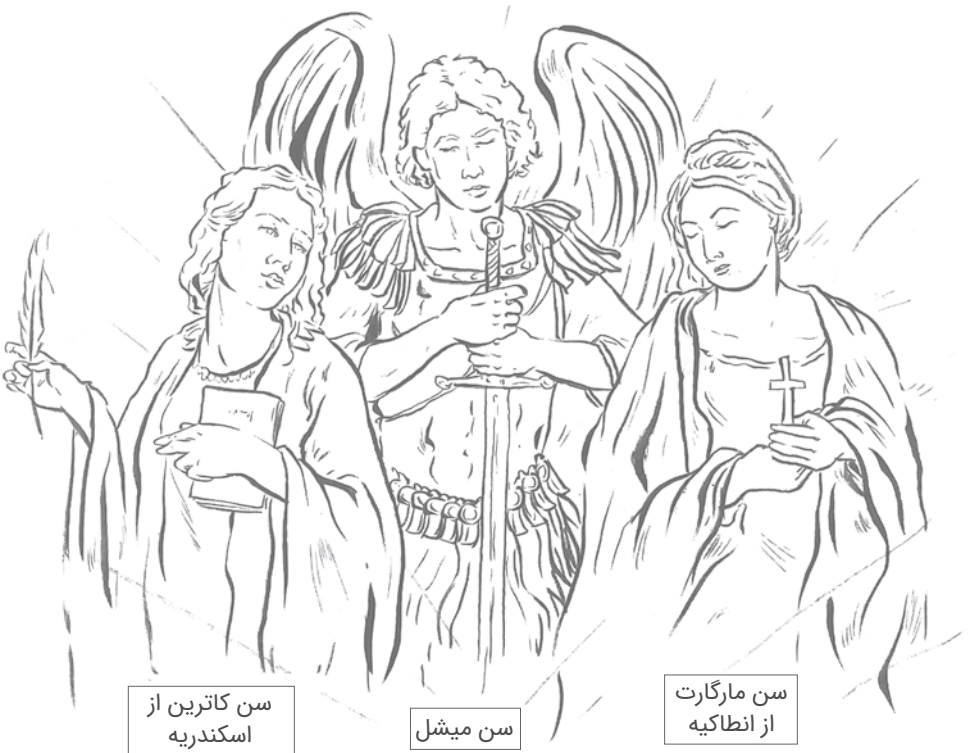
در سال ۱۳۲۸ میلادی شارل چهارم، پادشاه فرانسه، از دنیا رفت بدون این‌که فرزندی داشته باشد که وارث تاج و تخت او شود. این تخت خالی به‌زودی مایهٔ جنگ شد. ادوارد سوم، پادشاه انگلستان مدعی حکومت بر فرانسه شد، زیرا خواهرزادهٔ شاه درگذشته بود. اما فرانسوی‌ها به جای او یکی از عموزاده‌های شارل

را به پادشاهی انتخاب کردند. انگلستان به فرانسه اعلان جنگ داد و دو کشور چندین دهه، به تناوب، با هم می‌جنگیدند. این جنگ که از ۱۳۳۷ تا ۱۴۵۳ میلادی طول کشید، به جنگ صدساله شهرت یافت.



میکائیل (سن میشل) فرشتهٔ مقرب بود که در آسمان هدایت
ارتش‌های پروردگار را به عهده داشت. مردم، سن میشل را فرشتهٔ
نگهبان دوبرمی می‌دانستند.

در زمان ژاندارک، بیشتر مردم به فرشته‌ها اعتقاد داشتند. مشاهده آیات پروردگار چندان غیرعادی به نظر نمی‌رسید. ژاندارک فکر نمی‌کرد چیزهایی را تصور می‌کند. میکائیل، فرشتهٔ مقرب، یا همان «سن میشل» باز هم به او سر زد. سن میشل به ژاندارک گفت که دختر خوبی باشد، به کلیسا برود، و از پدر و مادرش اطاعت کند. ژاندارک حداکثر سعی خود را کرد. به زودی دو قدیس دیگر به روح سن میشل پیوستند: سن مارگارت از انطاکیه و سن کاترین از اسکندریه.



سن کاترین از اسکندریه

سن میشل

سن مارگارت از انطاکیه



هنگامی که ژاندارک شانزده ساله شد، قدیسان چیز جدیدی به او گفتند. او برگزیده شده بود که به دوفین کمک کند تا پادشاه فرانسه شود. ژاندارک حیرت کرد. چگونه از او، دختری نوجوان، انتظار داشتند به شاهزادهٔ فرانسه کمک کند؟ چگونه می‌توانست قلمرو شاهزاده را از ارتش اشغالگر انگلستان پس بگیرد؟ غیرممکن به نظر می‌رسید. اما ایمان ژاندارک محکم بود. او به صداهایی که می‌شنید باور داشت. به علاوه عقیده داشت که به کمک خدا، هر کاری ممکن می‌شود.

اولین مشکل یافتن راهی برای دیدار با شاهزاده بود. ژاندارک می‌دانست که پدر و مادرش به او اجازه نخواهند داد به تنهایی خانه را ترک کند. ژاندارک بعدتر گفت «از آن جا که خداوند امر فرموده بود که برو، باید این کار را می‌کردم. و از آن جا که این فرمان خداوند بود، اگر صد پدر و صد مادر هم می‌داشتیم، به دنبال اجرای فرمان پروردگار می‌رفتم.» تا آن موقع ژاندارک حتی از روستای خود زیاد دور نشده بود. اصلاً نمی‌دانست چگونه باید این کار را انجام دهد، اما تصمیم داشت فرانسه را نجات دهد.